

آفت‌های انتخاب اول، بحثی در باب اخلاق ترجمه^۱

علی خزاعی‌فر

ترجمه هم حرفه‌ای است مثل سایر حرفه‌ها چون مترجم فردی است صاحب دانش و مهارت خاص، و کار ترجمه هم صرفاً انتقال مکانیکی مواد زبانی از یک زبان به زبان دیگر نیست. مترجم مدام در حال تصمیم‌گیری است و تصمیمات او مبنا و آثار اخلاقی دارد. بدین ترتیب رابطه میان مترجم و متن از یک سو و رابطه میان مترجم و خواننده از سوی دیگر روابطی مبتنی بر مسئولیت و اخلاق هستند. اما در حرفه ترجمه نمی‌توان به سادگی اصولی الزام‌آور وضع کرد که مبنای کار و تصمیمات مترجمان قرار بگیرد چون بر سر مفهوم اخلاق در ترجمه توافق جامعی وجود ندارد. پس از این مقدمه نویسنده به دو پارادایم اخلاقی عمده در تاریخ ترجمه اشاره می‌کند: پارادایم سنتی که مبتنی بر مفهوم وفاداری به متن است و خود از دو زیرپارادایم تشکیل شده است. و پارادایم مدرن که مبتنی بر مفهوم وفاداری به خواننده است. نویسنده معتقد است صرف نظر از این‌که چه پارادایم اخلاقی را برای ترجمه انتخاب می‌کنیم، آنچه از نظر اخلاقی اهمیت دارد و نشان‌دهنده مسئولیت اخلاقی مترجم است آن چیزی است که در عرصه عمل اتفاق می‌افتد. هرچه مترجم در انتخاب‌های خود بیشتر دقت کند و تسلیم انتخاب اول نشود امکان انتخاب درست را افزایش می‌دهد. بسیاری از کاستی‌های ترجمه‌های چاپ شده را می‌توان با تحلیل کم و کیف انتخاب‌های مترجم توصیف کرد.

اخلاق حرفه‌ای مشتمل بر اصول و معیارهایی است، مکتوب یا نانوشته، که انتظار می‌رود افراد، سازمان‌ها و شرکت‌های حرفه‌ای در عمل به آنها پای‌بند باشند. ترجمه هم حرفه‌ای است مثل سایر حرفه‌ها چون مترجم فردی است صاحب دانش و مهارت خاص، مهارتی که افراد معمولی ندارند، و کار ترجمه هم یک کار صرفاً زبانی نیست

^۱ مقاله حاضر متن سخنرانی اینجانب است که در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد ایراد شد.

بلکه جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز دارد. ولی حتی اگر کار ترجمه یک کار صرفاً زبانی بود، انتقال مواد زبانی از یک زبان به زبان دیگر کاری مکانیکی نیست بلکه مترجم مدام در حال تصمیم‌گیری است و تصمیمات او مبنا و آثار اخلاقی دارد. و آنجا که پای تصمیم‌گیری به میان می‌آید مسأله مسئولیت بوجود می‌آید. رابطه میان مترجم و متن از یک سو و رابطه میان مترجم و خواننده از سوی دیگر روابطی مبتنی بر مسئولیت هستند.

اما در حرفه ترجمه بر خلاف بسیاری از حرفه‌ها، مثلاً حرفه پزشکی که در آن دانش‌آموختگان متعهد می‌شوند به سوگندنامه بقراط وفادار باشند، نمی‌توان بسادگی اصولی الزام‌آور وضع کرد که مبنای کار و تصمیمات مترجمان قرار بگیرد چون بر سر مفهوم اخلاق در ترجمه توافق جامعی وجود ندارد. برای مثال این سوال که ما تفاوت-های دو زبان مبدا و مقصد را در ترجمه بارز و برجسته کنیم و یا تفاوتها را به شباهت تبدیل کنیم یک مسأله اخلاقی است و تاریخ ترجمه هم تاریخ اختلاف‌نظرها بر سر این سوال و سوالات مرتبط دیگر است.

در تاریخ ترجمه دو پارادایم اخلاقی عمده وجود داشته است. یکی را می‌توان پارادایم سنتی و دیگری را پارادایم مدرن دانست. پارادایم سنتی مبتنی بر مفهوم وفاداری به متن است. این پارادایم خود متشکل از دو زیرپارادایم است: یک زیرپارادایم می‌گوید مترجم باید به متن اصلی، نویسنده یا مقصود نویسنده و یا حتی شیوه بیان او وفادار باشد. زیرپارادایم دیگر از اهمیت خواننده و لزوم توجه به درک خواننده صحبت می‌کند ولی وفاداری به خواننده را در ذیل وفاداری به متن اصلی می‌داند. درواقع چنین مترجمی وفاداری به خواننده را مغایر با وفاداری به نویسنده نمی‌داند.

این دو زیر پارادایم در طول تاریخ ترجمه پا به پای هم وجود داشته‌اند. بسته به شرایط فرهنگی هر کشور، گاهی کفه به نفع یکی سنگین‌تر بوده گاه به نفع دیگری. قهرمان زیرپارادایم دوم مترجم انجیل به زبان آلمانی مارتین لوتر است که از لزوم ترجمه انجیل به زبانی که مردم عادی قادر به خواندن و درک آن باشد سخن گفته است. در طرف دیگر البته وزنه نظری خیلی سنگین است. غالب نظریه‌پردازان صاحب-نام ترجمه از وفاداری به متن اصلی صحبت کرده‌اند بی‌آن‌که سخنی به طرفداری از خواننده گفته باشند. برخی قهرمان‌های این زیرپارادایم عبارتند از والتر بنیامین، شلایرماخر، لارنس ونوتی و آنتون برمن. البته همه این نظریه‌پردازان در دفاع از این

زیرپارادایم انگیزه واحدی نداشته‌اند. برخی به دلایل فرهنگی یا ادبی، برخی به دلایل مذهبی و برخی هم به دلایل زیباشناختی از لزوم وفاداری به شیوه بیان نویسنده سخن گفته‌اند.

برای مثال، شلایر مآخر بین دو نوع ترجمه یعنی ترجمه فنی و ترجمه محض یا ترجمه در معنی متعالی آن تفاوت قائل می‌شود و می‌گوید در ترجمه متون فنی اخلاق حکم می‌کند که مترجم نویسنده را به سمت خواننده ببرد ولی در ترجمه متون ادبی اخلاق حکم می‌کند که مترجم خواننده را به سمت نویسنده ببرد. آنتون برمن هم می‌گوید وظیفه اخلاقی مترجم این است که متن اصلی را با حفظ ویژگی‌های زبانی و فرهنگی ترجمه کند ولو اینکه زبان ترجمه غریب و بیگانه به نظر برسد. او سپس تعدادی دستور اخلاقی به مترجم می‌دهد که چگونه در برابر آفات ترجمه مقاومت کند. از نظر او، ترجمه آفت‌زده ترجمه‌ای است که متن را بومی می‌کند و روح خارجی‌اش را می‌گیرد. ونوتی هم نظریه‌پرداز دیگری است که همین اخلاق را ولی با انگیزه و هدفی دیگر توصیه می‌کند. مشکلی که مفهوم فداکاری ایجاد می‌کند این است که حد و مرز آن را نمی‌توان تعیین کرد. وفاداری تا چه حد؟ آیا وفاداری برده‌وار و افراطی تصویر نادرستی از نویسنده به خواننده نمی‌دهد؟

در عصر جدید در نتیجه نقش و وسعت و اهمیتی که ترجمه پیدا کرده پارادایم اخلاقی ترجمه هم عوض شده است. این پارادایم اخلاقی جدید که خواننده محور است متشکل است از فرضیات متعدد. یکی از فرضیات بنیادی این پارادایم به ذات معنی برمی‌گردد و آن این است که معنی ثابت و معین نیست. در این فرضیه نویسنده اهمیت خود را از دست می‌دهد و در عوض خواننده اهمیت پیدا می‌کند. این فرضیه که از دل نقد ادبی بیرون آمده با مطالعات ترجمه وصلت کرده است و حاصل این وصلت نظریه کارکردگرایی است که در شماره قبل به تفصیل درباره آن صحبت کردیم. در نظریه کارکردگرایی، متن اصلی و نویسنده در درجه دوم اهمیت قرار دارند. مترجم متن را بر اساس هدف یا کارکردی که خودش یا صاحب کارش یا ناشرش یا خواننده‌اش تعیین می‌کند ترجمه می‌کند. پیروان این نظریه برای این که بتوانند آن را به ترجمه متون ادبی هم تعمیم بدهند مفهوم *loyalty* را به آن افزوده‌اند که به معنی وفاداری به آدم-هاست برخلاف *fidelity* که وفاداری به متن است. به اعتقاد خانم نورد که از منظری کارکردگرایی مفهوم وفاداری را مطرح می‌کند مترجم باید اخلاقاً به خواننده و سفارش-

دهنده ترجمه و نویسنده هم‌زمان وفادار باشد ولی در مواقعی که این کار ممکن نیست چه باید کرد؟ پاسخ خانم نورد این است که در چنین مواردی مترجم نباید ترجمه کند. آنچه از این سخن استنباط می‌شود این است که اگر وفاداری به نویسنده مخدوش شود مترجم نباید ترجمه کند و این همان پارادایم اخلاقی سنتی است.

پس از معرفی اجمالی این دو پارادایم می‌پردازیم به اصل بحث. فرض کنید مترجم یکی از این دو پارادایم اخلاقی را مبنای کارش قرار داده است. سوالی که پیش می‌آید این است که صرف اعتقاد به یکی از این پارادایم‌ها که مترجم آن را مبنای ترجمه و انتخاب‌هایش قرار داده مشکل اخلاق را حل می‌کند؟ آیا مترجم دیگر قادر خواهد بود «با اخلاق» ترجمه کند؟ اگر پاسخ مثبت است چرا در کار مترجمان حرفه‌ای و سرشناس این‌همه غلط می‌بینیم؟ چرا این همه انتخاب‌های بد می‌بینیم؟ چرا عدم یکدستی می‌بینیم؟ چرا جملات مبهم می‌بینیم؟ انتخاب پارادایم اخلاقی برای ترجمه از منظر نظری مهم و لازم است ولی مهم‌تر از آن اتفاقی است که در عرصه عمل ترجمه می‌افتد. مترجمان در هنگام ترجمه همیشه با علاقه یکسان و انگیزه کافی ترجمه نمی‌کنند. همیشه سرحال نیستند. در صحنه عمل ترجمه یک عامل مهم اخلاقی دیگر هم وجود دارد و آن توجه مسئولانه و اخلاقی مترجم به انتخاب‌هایی است که برایش ممکن است چون انتخاب اول، بخصوص انتخابی که متن اصلی پیش روی او می‌گذارد، که درواقع دیگر انتخاب نیست، همیشه بهترین انتخاب مترجم نیست. قبل از توضیح بیشتر در این مورد، دو قول نقل می‌کنم:

آنچه در ترجمه اهمیت دارد نه مرئی بودن مترجم است نه نامرئی بودن او و نه هدف اخلاقی ترجمه. بلکه اصول اخلاقی (ethical code) خود مترجم است که مهم است، حس مسئولیت او در قبال انتخاب‌هایی که پیش روی اوست و آگاهی از معانی یا تأثیرات سیاسی ایدئولوژیک و زیباشناختی او از هریک از این انتخاب‌ها.

(جیلین لین مرسی به^۲، ۱۹۹۷)

نقل قول دوم از آنتونی پیم است. پیم^۳ (۱۹۹۰) در تعریف توانش ترجمه می‌گوید توانش ترجمه از دو جزء تشکیل می‌شود:

^۲ Lane-Mercier, Gillian. 1997. "Translating the Untranslatable: The Translator's Aesthetic, Ideological and Political Responsibility", *Target* 9:1, pp. 43-68.

۱. توانایی نوشتن معادل‌های مختلف و ممکن برای عبارات متن اصلی
۲. توانایی انتخاب یکی از این معادل‌ها با اعتماد و یقینی که مبنای اخلاقی دارد.

یعنی از نظر پیم آنچه که توانش ترجمه را می‌سازد صرفاً دانش زبانی یا عقل سلیم یا احاطه داشتن به موضوع ترجمه نیست بلکه توانش ترجمه یعنی توان تولید معادل‌های متعدد و انتخاب یکی از این معادل‌ها با اعتمادی که مبنای اخلاقی (ethical confidence) دارد. سوالی که در این‌جا پیش می‌آید این است که مگر مترجمان با اعتماد اخلاقی ترجمه نمی‌کنند؟ مگر مترجمان وقتی در سطح واژگان یا در سطح نحو یا در سطح معنی دست به انتخاب می‌زنند اطمینان ندارند که انتخابشان (حداقل در لحظه انتخاب) بهترین انتخاب ممکن است؟

اجازه بدهید نخست ببینیم مترجمان حرفه‌ای چه گونه عمل می‌کنند. بهاءالدین خرمشاهی در مصاحبه با مترجم (مترجم، شماره ۴، ۱۳۷۰) می‌گوید: «پس از آن که ترجمه را آغاز کردم، در هر مورد اولین جمله‌ای را که در ذهنم شکل می‌گیرد و تا میزان نود درصد بی‌اختیار و ناخودآگاهانه انجام می‌شود همان را می‌نویسم». دوباره از ایشان سوال می‌شود: «چگونه می‌توان مطمئن بود این انتخاب با توجه به عواملی مثل خستگی، بی‌حوصلگی، سرعت یا فراموشی انتخاب اصلح باشد؟» ایشان در جواب می‌گوید:

«منکر سهوالقلم نمی‌توان شد اما من به نحو غریزی مطمئن شده‌ام که آنچه از تلاقی ذهن با یک اثر یعنی جملات یک اثر در بار اول پدید می‌آید طبیعی‌تر و راحت‌تر و روان‌تر است و از اصل تبادر (سبقت گرفتن یک معنی از میان چند معنی و زدنش به ذهن) پیروی می‌کند اما مساله فاصله افتادن و فراز و فرود و غث و سمین پیدا کردن اثر هم امری طبیعی و تا حدودی ناگزیر است. اما همواره چاره‌اش نوشتن و خط زدن و وانوشتن و پاک‌نویس کردن نیست. من خط زدن‌ها و پاک‌نویس کردن‌هایم را سریعاً در ذهن انجام می‌دهم، گویی از روی پیش‌نویس ذهنم یا ذهنی‌ام پاک‌نویس می‌کنم.» (صص ۱۶-۱۷).

³ Pym, Anthony. 1992. Translation and Text Transfer. Frankfurt: Peter Lang.
Retrieved from: http://usuaris.tinet.cat/apym/publications/TTT_2010.pdf

شاید خرمشاهی در توضیح شیوه انتخاب خود در فرآیند ترجمه مبالغه می‌کند اما آنچه ایشان می‌گویند از شیوه کار مترجمان حرفه‌ای خیلی هم دور نیست. مترجم حرفه‌ای حسب تعریف مترجمی است که بر زبان مادریش مسلط است و تجربه طولانی در کار ترجمه دارد. چنین فردی طبعاً نخست همه انتخاب‌های ممکن در سطوح واژگانی و نحوی و معنایی را نمی‌نویسد تا از بین آنها بهترین را انتخاب کند. این کار نه ممکن است و نه لازم. بسیاری از این انتخاب‌ها، انتخاب‌هایی حاضر و آماده است چون قبلاً خود مترجم یا مترجمان حرفه‌ای دیگر آنها را انجام داده‌اند و در ذهن مترجم ثبت شده است. این‌ها را اصلاً نمی‌توان انتخاب نامید. این مطلب با آنچه یری لوی استراتژی حداقل - حداکثر می‌نامد هم‌خوانی دارد. بنا بر این استراتژی، مترجمان حرفه‌ای با استفاده از تجارب قبلی و به دلیل تسلط بر زبان با کم‌ترین تلاش با بالاترین سرعت ممکن ترجمه می‌کنند.

آنچه در بالا گفتیم در مورد مترجمان حرفه‌ای صدق می‌کند که در شرایط آرمانی ترجمه می‌کنند، یعنی در شرایطی که خسته نیستند یا عجله‌ای در کار نیست و یا متن چالش‌برانگیز نیست. هریک از این شرایط که برقرار نباشد استراتژی حداقل - حداکثر دیگر استفاده نمی‌شود و اولین انتخاب مترجم هم دیگر لزوماً بهترین انتخاب نیست. ترجمه کردن تا حدی شبیه رانندگی است. در رانندگی ظاهراً راننده باید در تمام مواقع آگاهانه رانندگی کند ولی در عمل چنین نیست. گاهی چند کار هم‌زمان می‌کند و گاهی هم شش دانگ حواسش متوجه رانندگی است. در ترجمه متونی که چالش‌برانگیزند حتی مترجم حرفه‌ای هم ناچار است با تمرکز فکر و با اعتمادی که مبنای اخلاقی دارد از انتخاب‌های متعدد خود کمال استفاده را بکند و گرنه ترجمه‌اش آسیب می‌بیند.

در توضیح مطلب فوق دو نمونه ترجمه به قلم دو مترجم حرفه‌ای نقل می‌کنم. در هردو ترجمه، که هردو فرازهایی توصیفی هستند، مترجمان بی‌شک قبل از ترجمه یکی از پارادایم‌های اخلاقی را انتخاب کرده‌اند. مترجم متن اول، مهدی سبحانی، احتمالاً پارادایم اخلاقی وفاداری به نویسنده، مارسل پروست، را انتخاب کرده چون سعی کرده، ولو به قیمت ثقیل شدن زبان متن و فاصله گرفتن متن از متون فارسی، و به منظور حفظ سبک بیان نویسنده جمله توصیفی بلند او را هرطور شده به یک جمله ترجمه کند. با این حال این انتخاب کلان تنها انتخاب مترجم نیست چون پس از این انتخاب، مترجم در سطوح خردتر یعنی سطوح واژگانی و معنایی نیز مجبور است انتخاب‌های

متعدد بکند. در متن دوم مترجم، عبدالله کوثری، پارادایمی اخلاقی را انتخاب کرده که به موجب آن هم خود را به نویسنده و هم به خواننده متعهد می‌داند. در نتیجه متنی که به دست آمده متنی است هم دقیق و هم مبتنی بر ذخایر واژگانی و معنایی زبان فارسی. به نظر می‌رسد انتخاب برای سحابی کار ساده‌تری بوده چون عمدتاً از انتخاب‌های نویسنده استفاده کرده است. و انتخاب برای کوثری سخت‌تر بوده چون باید هم به نویسنده وفاداری نشان می‌داده هم به خواننده. در هر حال برای من قابل تصور نیست که کوثری علیرغم تسلطی که به زبان فارسی دارد این متن را بدون خطرزدن‌ها و بازنویسی‌های مکرر انجام داده باشد:

کومبره از دور، از هفت فرسنگی، از راه آهن هنگامی که در آخرین هفته پیش از عید پاک به آنجا می‌رسیدیم، چیزی بیش از یک کلیسا به نظر نمی‌رسید که چکیده و نماینده شهر بود، از شهر و به جای آن در دور دست‌ها سخن می‌گفت، و نزدیکتر که می‌شدی، پشته‌های پشمین و خاکستری خانه‌های به هم پیوسته و بازمانده باروی قرون وسطایی شهر را، که اینجا و آنجا آن را با خطی به دایرگی باروی شهرکی در تابلویی بدوی در بر می‌گرفت، پیرامون شولای بلند تیره‌اش در میانه کشتزارها، چون شبانی گوسفندانش را گرد می‌آورد و از باد در امان نگاه می‌داشت. **مهدی سحابی / طرف خانه سوان**

زنان پابره‌نه با چهره‌های تیره پیچیده در شال، شکم‌های سنگین آبتن، کودکان عریان، گله گله سگ‌های خیابانی، گله گله جانوران دورگه که به همه جا سر می‌کشند و به جایی نمی‌روند. بعضی زرد، بعضی سیاه، همه سرگردان، همه وامانده، همه بی‌نای و نفس، گرسنه، بدن‌های پوشیده از زخم و کک را می‌خاراندند، به دنبال پس مانده‌ای سر در زباله‌ها می‌کنند، افلیج، زار و نزار، با چشم‌های مورب قرمز و زرد چرکابه‌ریز که نژاد گرگیشان را برملا می‌کند، پوزه‌های پرلک و پیس، پشم ریخته، پوستی سخت و گر گرفته، وارفته و عاطل که هماهنگ با نواخت کاهلانه این شهر وارفته عاطل زوزه می‌کشند، شهری که روزگاری پرستشگاه دنیای کهن مکزیک بود. **عبدالله کوثری / پوست انداختن**

ترجمه از یک جهت با دیگر فعالیت‌هایی که انجام آنها مستلزم انتخاب است یک تفاوت عمده دارد و آن این‌که در ترجمه هیچگاه «بهترین انتخاب» وجود ندارد. مترجم

پس از مدتی که به ترجمه‌اش رجوع می‌کند باز می‌بیند مواردی هست که دوست دارد تغییر بدهد. ولی رسیدن به تصمیمی مبتنی بر اعتماد اخلاقی در لحظه ترجمه اصلی اخلاقی است که مترجمان حرفه‌ای آن را مبنای کار خود قرار می‌دهند و هر جا که از این اصل تخطی می‌کنند کارشان آسیب می‌بیند. وجود اشتباهات و کاستی‌ها و ابهامات در ترجمه مترجمان حرفه‌ای خود بهترین گواه این ادعاست.

مسئله تصمیم‌گیری براساس اعتماد مبتنی بر اخلاق در مورد مترجمان تازه‌کار یا دانشجویان ترجمه اهمیت خاصی پیدا می‌کند چون این افراد بر خلاف مترجمان حرفه‌ای نه به زبان تسلط دارند و نه تجربه قبلی زیادی دارند. به عبارت دیگر این افراد نه می‌توانند به گزینه‌های احتمالی متعدد فکر کنند و نه به مجموعه‌ای از تصمیمات حاضر و آماده دسترسی دارند. در نتیجه تسلیم انتخاب اول می‌شوند و انتخاب اول هم معمولاً انتخابی است که نویسنده انجام داده است. در ترجمه چنین مترجمانی این انتخاب‌ها در همه سطوح واژگانی (مثلاً ترکیبات واژگانی) و نحوی و معنایی به وفور دیده می‌شود. به عنوان مثال چنین مترجمانی جملات مجهول را ناخودآگاه به جمله مجهول ترجمه می‌کنند بدون این که حتی به گزینه معلوم فکر کنند. و یا جمله را از همان منظری می‌نویسند که نویسنده نوشته بدون این که بررسی کنند که آیا می‌توان آن را به شکل دیگری نوشت که طبیعی‌تر به نظر برسد یا انسجام بیشتری با جمله قبل داشته باشد. متن اصلی آنقدر ظریف بر انتخابهای مترجم در کلیه سطوح بخصوص سطح نحو تأثیر می‌گذارد که در غالب موارد مترجم خودش هم متوجه نمی‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

If we leave Greek art and consider early Celtic or Chinese art, we shall find that the distortion has proceeded so far that ...

اگر هنر یونانی را رها کنیم و به هنر سلتی و چینی قدیم بپردازیم، خواهیم دید که تصرف به جایی رسیده است که ...

در ترجمه جمله شرطی متن اصلی (جمله شرطی نوع اول)، مترجم جمله شرطی مشابهی (ترکیب زمان حال ساده و زمان آینده ساده) به کار برده زیرا احتمالاً تصور کرده که این ساختار در دو زبان فارسی و انگلیسی مشابه‌اند. البته زبان فارسی ساختار مشابه با جمله شرطی نوع اول دارد ولی مفهوم شرط قابل تحقق را به صورت‌های

دیگر هم بیان می‌کند: مثلاً ترکیب حال ساده + حال ساده به جای حال ساده + آینده ساده. و لذا به احتمال زیاد مترجم با دیدن ساختار شرطی متن اصلی به گزینه‌های دیگر فکر نکرده و همان ساختار را انتخاب کرده است.

مترجمی که خود را از حق مشروع انتخاب کردن محروم می‌کند و به انتخاب‌های نویسنده تن می‌دهد به متنی می‌رسد که نه متن فارسی است و نه متن انگلیسی. از این گذشته این کار آفت دیگری هم دارد و آن چیزی است که از آن با عنوان نظریه «اقلام زبانی منحصر به فرد» یاد می‌کنند. بنا بر این نظریه مترجم آن دسته از اقلام زبانی (از واژه گرفته تا ترکیبات واژگانی و ساختارهای نحوی) را که در زبان مقصد منحصر به فرد هستند، یعنی نظیری در زبان مبدأ ندارند، هیچگاه در ترجمه به کار نمی‌گیرد. در نتیجه ترجمه چنین مترجمی که فاقد اقلام زبانی ویژه زبان مقصد است رنگ و بوی زبان مقصد ندارد.

بحث اخلاقی استفاده از گزینه‌های مختلف بحثی است که بخصوص در آموزش ترجمه اهمیت بسیاری دارد. آموزش ترجمه در کلاسهای درس باید این عادت را در دانشجویان بوجود بیاورد که با نگاهی انتقادی به گزینه نویسنده بنگرند و قبل از انتخاب نهایی گزینه‌های احتمالی دیگر را بررسی کنند. مترجم هرچه کم‌تر انتخاب کند امکان انتخاب‌های غلط را افزایش می‌دهد. اخلاق ترجمه به کم و کیف انتخاب‌ها مرتبط است. مترجم تازه کار ممکن است از مترجمی حرفه‌ای که مسئولیت اخلاقی‌اش را جدی نمی‌گیرد ترجمه بهتری بنویسد. بسیاری از کاستی‌های ترجمه‌های چاپ‌شده را می‌توان با تحلیل کم و کیف انتخاب‌های مترجم توصیف کرد.
